

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۱۰/۰۹/۱۱

عالمی را زنده کردی آفرین بر مردنت

کس ندید از تو خاین هیچ کار انسانیت

عالمی را زنده کردی آفرین بر مردنت

من در این چند روز چیزی ننوشتیم ایمیلی گرفته بودم از یک وزیر دولت مستعمراتی کرزی در حالیکه مرا دعوت به کابل نموده بود در ضمن گله هم زیاد به خاطر نوشته های من نسبت احمدشاه مسعود داشت. وزیر صاحب نه تنها ادب را در نوشته خود مدنظر گرفته سلام علیکم من و احمدشاه مسعود و روان شاد پهلوان احمدجان را بر روی من کشیده و از لطف و نان نمک مردم پنجشیر در حق من یاد کرده بود که واقعاً من از مردم پنجشیر سپاس گذار هستم و نمک شان هنوز در چشم من است و شوری نمک شان از دهن من نرفته و آن مردم مانند دیده چشم من هستند و قابل دوست داشتن و احترام هم هستند و هر قسمت و هر ملیت افغانستان مردم خوب و بد داشته انصاف نیست که خوب و بد را در ترازوی صداقت هم وزن ساخت در حالیکه بد از نگاه پرنسیب همش کم وزن بوده است.

در زمانی که من در پنجشیر با پهلوان احمد جان بودم و سبب آوردن احمدشاه مسعود ، کفایت الله و اسحق برادرش ما به پنجشیر بایزده نفر یاران شان که مثل احمدشاه مسعود کفایت الله و رهبران شان تربیه یافته استخبارات پاکستان بودند که لست سیزده جاسوس آی اس آی را بار اول من بیرون دادم که کسانی که علاقه به نوشتن جریانات جهاد افغانستان داشتند بعد از من از آنها نام بردند تا زمانیکه من نوشته نکرده بودم کس نمی دانست با احمدشاه مسعود از بالا حصار پشاور به نورستان کی آمده بود و کسی نمی دانست که ما در جمله احمدشاه مسعود ، کفایت الله و اسحق برادر کفایت الله که بعد از جنگ پنجشیر در زمان حکومت داوود به پاکستان فرار کرده بودند اشخاص دیگری را هم باینها به پنجشیر از نورستان آوردیم و با این شعر سعدی روبرو شدیم

سعدیا شیرازی یا پندی مده کم زاد را

کمزاد اگر عاقل شود گردن زند استاد را

چون اسم شان در نوشته های قبلی من آمده تکرار آن ضرور نیست وزیر صاحب در آن وقت پسر نوجوان بود بعد ها از همسنگرهای احمدشاه مسعود شدوتا روز مرگ احمدشاه مسعود در کنار احمدشاه مسعود صادقانه قرار داشت و هنوز هم پاس شوری نمک احمدشاه مسعود نظر به نوشته اش در چشم وزیر صاحب باقی مانده گرچه وزیر صاحب خواهش کرده که این یک ایمیل دوستانه و شخصی است

باز هم با خود گفتم باید در قسمت گله وزیر صاحب چیزی نوشته کنم من مصروف جواب ایمیل وزیر صاحب بودم چون عادت من است که سایت وزین افغانستان آزاد ، جرمن جرمن ، سایت آریایی ، سایت خاوران و سایت گفتمان را که از نوشتن و مطالعه بیکار شوم مریض و خستگی نداشته باشم میبینم و میخوانم

سایت افغانستان آزاد که سایت دوست داشتی من است باز کردم دیدم که نویسندگان سایت وزین افغانستان آزاد مانند سایت خاوران یادی از احمدشاه مسعود کرده اند ولی نامی از آقای موسوی در بین نویسندگان دیده نمی شد با خود گفتم شاید کسی مانند اعظم سیستانی پیدا شده باشد یا در میانی کرده باشد به موسوی صاحب گفته باشد اولاً نوشته نکن اگر می کنی پل از خس، سر دریای نوشته ببند و از آن تیر شو. باز با خود گفتم که گردن خود را بسته و بدگمانی نکن با خود گفتم موسوی صاحب عادت دارد که طولانی و همه جانبه نوشته میکند به علت طولانی نویسی از قطار دوستان پس مانده باشد و قتیکه چند نوشته از نویسندگان چیره دست افغانستان آزاد در باره احمدشاه مسعود خواندم گفتم چون جروب بحث و جواب گفتن من به ایمیل وزیر صاحب طولانی است به خاطریکه مانند استادم آقای موسوی غیر حاضر نباشم با آغاز یک مقدمه کوچک چیزی که نوشته کردم و خدمت سایت افغانستان آزاد ارسال کردم امید است بنشر برسند

میگویند از دست امیر عبدالرحمن خان تمام ملت افغانستان خصوصاً ملیت های غیر پشتون به تنگ آمده بودند از هر قوم و ملیتی امیر عبدالرحمن خان گلچین کرده بود و کشته بود در جمله کشته شدگان میر عثمان پروانی (اوپپانی) برادر ارشد ایشان میر غلام قادر خان معروف اوپپانی که در قسمت آوردن امیر عبدالرحمن خان خوش خدمتی کرده بودند بین سر بریده های دست امیر عبدالرحمن خان نیز قرار داشت

میر ایوب خان ، خان سرخ پاسا را که از خوانین هزاره بود با امیر عبدالرحمن خان پنجه نرم کرده بود او را هم امیر کشته بود زمانیکه پسر میر ایوب خان محمد گل خان شنیده بود امیر عبدالرحمن خان مرده پیش ایشان حاجی سید امیر خان پسر میر عثمان پروانی آمده بود این خوش خبری را به حاجی آقا داده بود ایشان حاجی سید امیر خان مشهور به حاجی آقا که از سیزده سالگی با پدر و برادر در سیاه چاه باغ بالا تا کشته شدن پدر و مردن میر محمد امان برادر ارشد خود در زندان مانده بود و از تمام خانواده میر عثمان پروانی تنها حاجی آغا و یک برادر گنگه آن جان به سلامت برده بودند.

و قتیکه محمد گل خان پسر محمد ایوب خان خبر مرگ امیر عبدالرحمن خان را به حاجی آقا پسر ایشان میر عثمان پروانی می دهد

حاجی آقا که از هیبت امیر عبدالرحمن خان بعد از کشته شدن پدر و مرگ برادر در زندان ترسیده بود نمی توانست که آشکارا ابراز نظریا شادمانی کند

در جواب محمد گل خان پسر محمد ایوب خان گفته بود

عالمی را زنده کردی آفرین بر مردنت

من هم می گویم احمد شاه مسعود عالمی را زنده کردی آفرین بر مردنت تعبیر و تفسیرش دست مفسرین سایت افغانستان آزاد که عادت دارند زیر نوشته های دوست و دشمن به خاطر رفع مسؤلیت خودشان چیزی می نویسند.

یادداشت:

حال که همکار عزیز ما جناب "هستی" خود خواستار تبصره ویراستاران گردیده اند به اجازه شان باید بیفزائیم: تا جائیکه معلومات ویراستاران پورتال اجازه می دهد، این مصرع "عالمی را زنده کردی آفرین بر مردنت" برخاسته از "فرهنگ عاشورائی" بوده در کل طرفداران "حسین بن علی" با در نظر داشت واقعه کربالا می خواهند شکست نظامی نامبرده را که به قتلش منجر شد، بدین وسیله به مثابه یک پیروزی سیاسی در آینده تبلیغ نمایند. و اما اینکه چرا ما در ذیل برخی مقاله ها یادداشت می نویسیم بیشتر از آنکه مسأله عادت در میان باشد، صرف نظر از دقت ویراستاران ما هنگام ویراستاری، تعهد ما را در قبال خوانندگان پورتال نیز می رساند. زیرا سیاست پورتال حین ویراستاری بر آن استوار گردیده که هرگاه مطلبی با افزودن یک تبصره و یادداشت بتواند برای نشر آماده گردد، دوستان ویراستار و یا متصدیان پورتال زحمت نوشتن آن تبصره را بر خود قبول نموده، با افزودن آن یادداشت، امکان نشر مقاله را مساعد می سازند و اما در صورتیکه یک مقاله با افزودن یک تبصره نیز قابل نشر نگردد، از نشر آن اجتناب می ورزیم. ما با این کار خود بدون هراس از بار اضافی که بر دوش ویراستاران پورتال گذاشته می شود، به صورت عمده صیانت از خط پورتال، و تقدیم یک مطلب آموزنده برای خوانندگان را در نظر داریم. امید این روش ما باعث ناراحتی دوستان نگردیده باشد.

اداره پورتال AA-AA